

تحلیل کیفی چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه (کاربرد نرم‌افزار NVivo)

خدیدجه مرادی* - کارشناس ارشد آموزشی و دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی،
پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی
حسین آگهی - دانشیار و عضو گروه پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی- اجتماعی،
پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی
کیومرث زرافشانی - دانشیار و عضو گروه پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی- اجتماعی،
پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی
عبدالحمید پاپ‌زن - دانشیار و عضو گروه پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی- اجتماعی،
پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۳

چکیده

صنایع تبدیلی کشاورزی با تکمیل فرایندهای پس از تولید، راهکاری برای جلوگیری از ضایعات، افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی و فرصتی کم‌نظیر برای اشتغال‌زایی به‌شمار می‌آیند. استان کرمانشاه توانایی زیادی در توسعه صنایع تبدیلی انواع میوه دارد، هرچند توسعه این صنایع در کشور ما با چالش‌های بسیاری مواجه است. هدف پژوهش کیفی حاضر آن است که ضمن تحلیل چالش‌های پیش روی صنایع مذکور، راهکارهایی برای برون‌رفت از آنها ارائه کند. نمونه‌های برگزیده در پژوهش حاضر، کارشناسان سازمان‌ها و مدیران واحدهای فرآوری میوه بودند، که به‌شیوه هدفمند انتخاب شدند. پس از انجام بیش از ۱۰ ساعت مصاحبه عمیق با ۸ نفر از نمونه‌های منتخب، اشباع تئوریک به‌دست آمد و مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شدند. با استناد به نتایج تحلیل مصاحبه‌های میدانی در محیط NVivo10، چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه در ۸ طبقه تنگناهای مرتبط با بازار، نیروی کار، مسائل مدیریتی، پیامدهای هدفمندی بارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی، انسجام‌نداشتن سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی، و نداشتن برنامه‌ریزی راهبردی جای گرفتند. طبق نتایج مطالعه حاضر، به سیاست‌گذاران صنایع تبدیلی استان کرمانشاه پیشنهاد می‌شود که به پرداخت سهم یارانه تولید توجه ویژه داشته باشند و با حمایت از نظام توزیع امانی، بسیاری از چالش‌های بازار فرآورده‌های تبدیلی را برطرف کنند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل کیفی، چالش، صنایع فرآوری، NVivo10.

مقدمه

توسعه کشاورزی فرایندی پیچیده است که به‌عنوان سیاستی بنیادین در اغلب کشورهای دنیا مورد نظر بوده است و زمینه‌ساز توسعه ملی قلمداد می‌شود (صبوری و ملک‌محمدی، ۱۳۸۷، ۳۲۱). صنایع تبدیلی با برقراری پیوند میان کشاورزی و صنعت، بیش از سایر اشکال صنایع مورد تأکید صاحب‌نظران توسعه کشاورزی قرار گرفته‌اند (Batov, 2006, 63). منظور از صنایع تبدیلی، صناعی است که به محصولات کشاورزی متکی‌اند و ماده اولیه آنها محصولات کشاورزی و دامی است (Banbury & Mitchel, 2007, 170). گزارش‌های بانک جهانی گویای آن است که این صنایع از نظر تنوع و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی، اهمیت بسیاری در توسعه منطقه‌ای نواحی روستایی دارند. اهمیت صنایع مذکور تا جایی است که ۲۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی را - حتی در کشورهای در حال توسعه - از آن خود ساخته است (Wilkinson & Rocha, 2008, 6). براساس آمار موجود، ۸۰ درصد مواد غذایی و آشامیدنی‌هایی که در بازارهای جهانی دادوستد می‌شوند به‌صورت فرآوری شده هستند، که ۶۰ درصد این میزان در کشورهای پردرآمد به مصرف می‌رسد. این در حالی است که میزان مصرف فرآورده‌های غذایی بسته‌بندی شده در کشورهای کم‌درآمد، سهم اندکی از سبد خانوار را به خود اختصاص می‌دهد (شکل ۱).



شکل ۱. روند افزایش میزان مصرف مواد غذایی بسته‌بندی شده در جهان در سال ۲۰۰۵

منبع: Wilkinson & Rocha, 2008, 7

با حرکت جامعه جهانی به سمت مصرف غذاهای سالم با حداقل چربی و مواد قندی، فرآورده‌های میوه جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند (Wilkinson & Rocha, 2008, 6). بخش باغبانی به دلیل تولید محصولات با ارزش غذایی بالا و ارزآوری، از بخش‌های مهم کشاورزی کشور به‌شمار می‌آید. ایران با تولید بیش از ۱۸ میلیون تن و سرانه ۲۳۰ کیلوگرم انواع میوه جایگاه نخست خاورمیانه و رتبه نهم دنیا را به خود اختصاص داده است (پورتال وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). این بخش صرفاً با اختصاص ۱۷ درصد سطح زیر کشت توانسته است ۱۸ درصد تولید، ۲۵ درصد ارزش افزوده، ۲۰ درصد اشتغال‌زایی و ۸۰ درصد صادرات بخش کشاورزی را از آن خود کند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱).

تنوع اقلیمی و غنی بودن خاک و آب در استان کرمانشاه، قابلیت‌های بالای گسترش فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته به آن^۱ را نشان می‌دهد. قابلیت زمین برای کشت محصولات باغی، دامنه‌های شیب‌دار که مناسب کشت محصولات زراعی نیستند، در کنار اقتصادی بودن تولیدات باغی، استان کرمانشاه را به یکی از مناطق مستعد تولید محصولات باغی - به‌ویژه انواع میوه - تبدیل کرده است. با استناد به آمار سال ۱۳۹۱، سطح باغ‌های استان ۴۲۰۰۰ هکتار و میزان تولید انواع میوه شامل انگور، زیتون، خرما، سیب، انجیر و سایر میوه‌های هسته‌دار و دانه‌دار، ۳۲۶۰۰۰ تن گزارش شده است (معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان، ۱۳۹۱). به‌رغم توانمندی‌های کم‌نظیر این استان در تولید انواع میوه، به‌نظر می‌رسد صنایع تبدیلی موجود به‌دلیل چالش‌های متعددی که با آن مواجه‌اند، آن‌گونه که باید نتوانستند ایفای نقش کنند. اندک تلاش‌های انجام‌شده در زمینه احداث صنایع تبدیلی وابسته به میوه استان نشان می‌دهند که مناطق روستایی همواره در حاشیه قرار گرفته‌اند و واحدهای انگشت‌شمار موجود در قالب کارخانجات صنعتی بزرگ به دور از مراکز تولید و در شهرک‌های صنعتی شهرها، مراکز شهرستان‌ها و مرکز استان استقرار یافته‌اند و با چالش‌های

بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند (فلاحتی، ۱۳۸۹، ۱۵۰؛ اداره صدور مجوزهای سازمان جهاد کشاورزی استان، ۱۳۹۱). هم‌اکنون از میان ۱۱ کارخانه دارای مجوز فرآوری انواع میوه فقط ۵ واحد - آن‌هم زیر ظرفیت اسمی - در استان مشغول فعالیت‌اند. از این‌رو، بررسی عمیق و با رویکرد کیفی معضلات پیش روی این صنایع ضرورت می‌یابد. یافته‌های پژوهش حاضر، متولیان صنایع روستایی استان را به چشم‌اندازهایی روشن‌تر در زیربخش باغبانی و صنایع وابسته به آن هدایت می‌کند؛ ضمن آنکه شناخت و تحلیل چالش‌های مذکور، ضرورت ایجاد تحولات سازنده را از طریق برنامه‌ریزی راهبردی صنایع تبدیلی بخش کشاورزی در استان کرمانشاه آشکار می‌سازد. نتایج پژوهش حاضر به سرمایه‌گذاران خاطرنشان می‌کند که این موانع و چالش‌ها را پیش از اجرای طرح‌های صنایع روستایی بشناسند و استراتژی‌های لازم را برای رفع یا کاهش آنها در پیش گیرند. هدف پژوهش کیفی حاضر، تحلیل چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه است.

مرور مطالعات پیشین

صنایع وابسته به کشاورزی را می‌توان شرط لازم و محرک توسعه بخش کشاورزی به‌شمار آورد. به‌رغم محوری‌بودن توسعه و گسترش صنایع کشاورزی در برنامه‌های توسعه کشور، این صنایع با مشکلات و تنگناهای گوناگونی مواجه‌اند و پژوهش‌گران بسیاری در توصیف و تصریح آنها کوشیده‌اند. رادفر و تیموری (۱۳۸۹، ۱۰۱) در بررسی تجربه کشورهای منتخب در صنایع غذایی به مواردی نظیر مشکل برنامه‌ریزی و مدیریت، جایگاه نامشخص صنایع کوچک و متوسط در کشور، ضعف بازاریابی و بازررسانی، و ضعف در نوآوری و تحقیق و توسعه اشاره کردند. نتایج پژوهش اصغری لقمجانی و همکاران (۱۳۹۱، ۵۲) نشان می‌دهند که حمایت‌نکردن سازمان‌ها و مسئولان بیشترین تأثیر را بر توسعه‌نیافتگی صنایع تبدیلی در بخش لنده شهرستان کهگیلویه داشته است. زاهدی (۱۳۸۴، ۱۷) در بررسی محدودیت‌ها و مزیت‌های

توسعه صنایع تبدیلی زیتون، به مشکلات فرآوری این محصول پرداخته و مهم‌ترین مسائل و مشکلات موجود در توسعه صنایع تبدیلی به‌ویژه زیتون را چنین برشمرده است: ضعف مدیریت و فقدان روحیه نوآوری، فقدان نقدینگی در راه‌اندازی، گرانی و کمیابی لوازم یدکی صنایع به‌علت وابستگی برخی از ماشین‌آلات به خارج از کشور، تضمین‌نکردن خرید با قیمت مناسب در زمان تحویل، کمبود بسیاری از امکانات زیربنایی و پشتیبانی‌کننده (نظیر سردخانه و بسته‌بندی)، کم‌توجهی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور به تربیت کادر متخصص و موردنیاز، نبود تشکل‌ها و اتحادیه‌های بازاریابی محصولات باغی که تأمین مواد اولیه واحدهای فرآوری را تسهیل کند، از معضلات فرآوری واحدهای صنایع تبدیلی شهرستان دناست که کرمی و مردانی ادبی (۱۳۹۱، ۳) به آن اشاره کردند. این معضل سبب شد که محصولات باغی با کیفیتی پایین به واحدهای فرآوری تحویل داده شوند. سنتی‌بودن سیستم کشت و عملکرد پایین و هزینه بالا موجب افزایش قیمت مواد اولیه در صنایع تبدیلی انگور شهرستان دنا شده است، تاجایی که خرید آن برای کارخانه‌های فرآوری مقرون‌به‌صرفه نیست. ابادری و حسینی یکانی (۱۳۹۳، ۱۷۷) در بیان تنگناهای صنایع تبدیلی استان مازندران، بر عرضه ناکافی، کیفیت و قیمت مواد اولیه، فناوری ناکارآمد، و ضعف اطلاعات بازار و تبلیغات تأکید کردند. سازمان صنایع کوچک ایران مشکلات خاص صنایع کوچک و متوسط کشور را چنین طبقه‌بندی کرده است: ضعف نهادهای جمعی و تشکل‌های حرفه‌ای، محدودیت در دستیابی به تسهیلات اعتباری و وام‌های بانکی، دسترسی نداشتن به اطلاعات صحیح و کافی در خصوص نوع و میزان سرمایه‌گذاری، انتخاب مکان و ماشین‌آلات مناسب، و قراردادهای پیمانکاری با واحدهای بزرگ و تغییرات فناوری، محدودبودن تجربه و توانایی مدیران و نداشتن توانمندی‌های لازم در امور مدیریت کسب‌وکار سودآور نظیر بی‌اطلاعی از برنامه‌ریزی مالی برای شروع پروژه‌ها، و فراهم‌نبودن زمینه آموزش و ایجاد مهارت در نیروی کار به‌دلیل نرخ بالای جابه‌جایی شغلی به‌ویژه در مورد نیروهای متخصص و ماهر. به مجموع موارد گفته‌شده باید

مشکلات ناشی از قانون کار را نیز اضافه کرد (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳؛ امین‌آقایی، ۱۳۸۷، ۱۳۴). به‌رغم سابقه طولانی برنامه‌ریزی صنایع تبدیلی در هند و کسب موفقیت‌های نسبی، ضعف مؤسسات تأییدکننده کیفیت و استانداردسازی و نیز مدیریت ناکارآمد، از مشکلات صنایع تبدیلی این کشور برشمرده شده است (Sundar & Srinivasan, 2009, 23). محدودیت دسترسی به سرمایه و سیاست‌های نامناسب دولت در کنار ضعف زیرساخت‌ها از مهم‌ترین معضلات سرمایه‌گذاری‌های خرد و کوچک در نیجریه برشمرده شده است (Onu & Ekine, 2009, 149)، چراکه این کشور در مرحله گذار توسعه صنایع تبدیلی به سر می‌برد. بزرگمهر و همکاران (۱۳۹۲، ۱۰۷) مهم‌ترین موانع توسعه صنایع تبدیلی باغی در خراسان شمالی را بی‌ثباتی بانک‌ها در اعطای تسهیلات کم‌بهره و بلندمدت برشمرده‌اند. عبادی (۱۳۹۰، ۲۶) مشکلات اصلی و مهم بخش صنعت کشور را چنین برشمرده است:

الف) مشکلات ناشی از نقش دولت و نهادهای وابسته به آن: دولت با حضور در فرایند تولید از طریق سرمایه‌گذاری و اشتغال در بخش صنعت موجب ایجاد اغتشاش در بازار و کاهش میزان کارآمدی ساختار اقتصادی می‌شود.

ب) اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات و رسیدن به خودکفایی: در پی این سیاست، دروازه کشور به روی اکثر کالاهای صنعتی بسته شد و تلاش شد که این کالاها در داخل کشور تولید شوند. تضعیف توان رقابت‌پذیری صنایع و ضعف تقاضای داخلی برای برخی از محصولات صنعتی این سیاست را با چالش مواجه کرد.

ج) وابستگی بخش صنعت به درآمدهای نفتی: کاهش مقطعی درآمدهای نفتی بر دامنه وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش صنعت تأثیر رکودی داشته است.

د) ساختار انحصاری بازار: حضور گسترده بخش دولتی در بازارهای صنعتی کشور که در کنار اعمال سیاست‌های جایگزینی واردات به‌قصد خودکفایی انجام شده، ساختاری انحصاری و متمرکز در اکثر بازارهای صنعتی کشور ایجاد کرده است. در چنین ساختاری، ارتقای کیفیت،

نوآوری، مشتری‌مداری، کاهش هزینه‌های تولید و مفاهیم مرتبط با رقابت جای خود را به فعالیت‌های رانت‌جویانه می‌دهد.

ه) وجود دوگانگی بین بنگاه‌های صنعتی: در صنعت ایران، بنگاه‌های موجود یا بزرگ‌اند که از بودجه دولت تغذیه می‌شوند یا کوچک‌اند که امکان رشد و رسیدن به بنگاه‌های متوسط را نمی‌یابند.

و) ناهماهنگی و نامتمرکز بودن سیاست‌گذاری بخش صنعت: این معضل ناشی از پراکندگی ستادی صنعت بین وزارتخانه‌های صنایع و معادن و جهاد کشاورزی است، که پیامدهای ناگواری نظیر ناهماهنگی سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های صنعتی و تشکیل‌نشدن سرمایه کافی در بخش صنعت را به دنبال داشته است.

به‌طور کلی می‌توان معضلات صنایع تبدیلی را در دو محور اساسی طبقه‌بندی کرد:

۱. مشکلات کلی نظیر دشواری دسترسی به مواد اولیه مناسب، برخوردار نبودن از تسهیلات ویژه بانکی، بالابودن نرخ بهره تسهیلات بانکی، بالابودن قیمت تمام‌شده، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، و کمرنگ‌بودن نقش تحقیقات.

۲. عوامل مربوط به بنگاه‌های تولیدی و مدیریت آنها که می‌توان آن را در مواردی همچون رویکرد تولیدمحور مدیران در فضای کسب‌وکار غیررقابتی کشور به‌جای رویکرد بازارمحور، توسعه‌نیافتگی بازار و فعالیت‌های بازاریابی، فرسودگی ماشین‌آلات و تجهیزات، مشکلات ناشی از نقدینگی، و کمبود سرمایه در گردش واحدها جست‌وجو کرد (عبادی، ۱۳۸۸، ۳). کلانتری و همکاران (۱۳۸۹، ۱۲) بر مواردی نظیر مشکلات اعطای تسهیلات، موانع نهادی، مشکلات و موانع قانونی، گرانی نهاده‌های تولیدی، ضعف اطلاع‌رسانی و فقدان هماهنگی بین سازمان‌ها تأکید کردند. دسترسی به سرمایه‌های مالی و مؤسسه‌های اعتباری از مسائل پیچیده صنایع کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه است که در بسیاری از مطالعات بر آن تأکید شده است (Bouri et al., 2011, 17). نصرتی و ایمانی (۱۳۸۹، ۹۱) چالش‌های فراروی توسعه صنایع روستایی در ایران را در دو دسته چالش‌های برون‌روستایی شامل: عوامل انسانی، اقتصادی و

مالی، و عامل امکانات و تسهیلات و تنگناهای درون‌روستایی از جمله عوامل محیطی، انسانی، اقتصادی- مالی و عوامل فناوری بررسی کردند.

فلاحی (۱۳۸۹، ۱۸۰) در عارضه‌یابی صنایع کوچک تبدیلی استان کرمانشاه این مشکلات را مطرح کرد: نبود تسهیلات بانکی، پایین‌بودن بازده و بهره‌وری نیروی انسانی، مشکل برقراری روابط تجاری با خریداران و سایر رقبا، کیفیت پایین مواد اولیه، و انطباق نداشتن آموزش‌های رسمی کارکنان با نیاز واحدهای تبدیلی. با این حال وی نیز همانند پژوهش‌گران دیگری که در این زمینه تحقیق کرده‌اند، چالش‌های پیش روی صنایع فرآوری را با بهره‌گیری از شیوه‌های پیمایشی و به‌طور کلی بررسی کرده و درخصوص چالش‌های فرآوری صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه تاکنون پژوهش ویژه‌ای انجام نشده است. از این رو ضرورت انجام پژوهش حاضر بیش از پیش آشکار می‌شود.

معرفی منطقه با تأکید بر تولید انواع میوه

استان کرمانشاه تولیدکننده اصلی بسیاری از محصولات استراتژیک کشاورزی است و اقتصاد آن صرف‌نظر از برخی فعالیت‌های محدود صنعتی، متکی بر کشاورزی است. اشتغال بیش از ۳۳ درصد جمعیت استان (۶۱۸۷۱۸ نفر) به کشاورزی گواهی بر این مدعاست. کرمانشاه با قرارگرفتن در مرکز ۵ استان غرب کشور و با دارا بودن ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، در صادرات غیرنفتی - به‌ویژه فرآورده‌های کشاورزی - موقعیتی کم‌نظیر دارد. براساس آمار موجود، سطح باغ‌های استان ۴۲ هزار هکتار است (زارعی، ۱۳۹۱، ۷). اقلیم متنوع، منابع آب و خاک غنی و گستردگی دشت‌های وسیع استان در نواحی سرد، معتدل و گرم، سبب شد که این منطقه براساس مصوبه هیئت وزیران به‌عنوان قطب کشاورزی غرب ایران معرفی شود. ظرفیت استان در حد تأمین غذای ۱۰ درصد جمعیت کشور تخمین زده شد. میزان تولید انواع میوه استان در سال ۹۱-۱۳۹۰ در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. تولید انواع میوه در استان کرمانشاه به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ (تن)

شهرستان	انگور	انار	سیب	زیتون	مرکبات	خرما	خشکبار (گردو، پادام)	سابر میوه‌های قابل فرآوری (دانه‌دار، هسته‌دار، انجیر)	کل تولید میوه (تن)
باوه	۳۱۵۰	۵۱۶۶	۱۶۰۰	۱۶۱۸	۳۰	۰	۳۸۴۶	۴۶۹۲	۱۸۵۰۰/۸
صحنه	۱۸۷۵۱	۴۰	۱۵۸۴۰	۰	۴۰	۰	۴۶۴۹	۲۳۹۶۷/۶	۶۳۲۸۷/۶
کرمانشاه	۱۲۳۴۳	۰	۱۳۶۰۶/۴	۴/۸	۰	۰	۳۰۶۹/۹	۱۷۱۰/۱	۳۰۷۳۴/۴
روانسر	۱۰۵۲	۳۰	۹۲۰	۰	۰	۰	۲۶۷۶	۱۹۷۸/۵	۶۶۵۶
سرپل ذهاب	۴۶۷۱	۱۱۰	۹۶	۲۶۴	۷۰	۰	۸۱۰	۵۹۲	۶۶۱۳
اسلام‌آباد	۳۷۸	۰	۵۵۵۲	۰	۰	۰	۷۳۷	۲۳۵۳	۹۰۲۰
گیلان غرب	۱۸۹۰	۱۵۰	۳۲۰	۱۲۰	۰	۲/۵	۱۷۳	۴۹۲/۵	۳۱۴۸
دالاهو	۴۱۵۲	۲۲۰	۳۳۹۴۰/۸	۸۶۰/۴	۰	۰	۲۶۰۳	۷۳۹۲	۴۸۱۶۸/۲
سنقر	۴۹۶۸	۰	۳۲۰۰	۰	۰	۰	۴۷۰	۱۵۵۲	۱۰۱۹۵
کنگاور	۲۹۴۵	۰	۳۲۹۶	۰	۰	۰	۶۶۵۰	۶۴۰۱	۱۷۲۹۲
نلات، باباجانی	۲۱۰۰	۲۵۰	۴۶۸۸	۳۶	۰	۰	۱۷۰۵	۴۵۱۵	۱۳۲۹۴
چوارود	۲۳۰۶/۵	۳۰	۳۲۰	۰	۰	۰	۲۳۳۱	۳۰۷۵	۹۰۶۴/۵
هرسین	۱۳۵۹	۵۰	۳۱۲۶	۰	۰	۰	۱۱۰۶	۷۸۶۵	۱۳۵۱۶
قصر شیرین	۷۸۵۷	۳۰۰	۰	۱۳۸	۸۱۹۰	۲۲۴۰	۰	۱۹۶	۱۸۹۲۱
کل استان	۶۷۹۲۲/۵	۶۲۴۶	۸۵۵۱۵/۲	۱۴۴۰	۸۳۳۰	۲۲۴۲/۵	۲۹۸۲۵/۹	۶۶۷۸۶/۷	۲۶۸۴۰۹

منبع: معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان، ۱۳۹۱

با آنکه آمارهای جدول ۱، توان بالای استان کرمانشاه را در تولید میوه‌های متنوع نشان می‌دهند و نشان از ظرفیت بالای استان در توسعه صنایع فرآوری انواع میوه دارند، اما براساس جدول ۲، اکنون فقط ۵ واحد فرآوری - آن‌هم زیر ظرفیت اسمی - در این زمینه مشغول فعالیت‌اند.

جدول ۲. وضعیت واحدهای فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه

ردیف	نام شرکت	محل استقرار	فرآورده تولیدی	وضعیت
۱	شهدوینا	شهرک صنعتی اسلام‌آباد	کنسانتره، نوشابه‌های بدون گاز، آب آشامیدنی	غیرفعال
۲	نوشین گل بیستون	۴ کیلومتری جاده صحنه	نوشابه‌های بدون گاز و فرآورده‌های یخی	غیرفعال
۳	حسین امیری	روستای کندوله	تولید سرکه، آبغوره، مرباجات	فعال
۴	بسته‌بندی خشکبار	ریجاب دالاهو	بسته‌بندی گردو و انجیر	غیرفعال
۵	پرستو سیلان (باخ)	شهرک صنعتی فرامان	روغن زیتون، ترشیجات	غیرفعال

ادامهٔ جدول ۲. وضعیت واحدهای فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه

ردیف	نام شرکت	محل استقرار	فرآوردهٔ تولیدی	وضعیت
۶	تعاونی ۱۹۴۰ (صدف)	چهر شهرستان هرسین	انواع کنسرو و مرباجات	فعال
۷	مزناب	شهرک صنعتی جادهٔ سنندج	نوشابه‌های بدون گاز و کنسانتره	غیرفعال
۸	فانوس طلایی (برتی‌با)	شهرک صنعتی بیستون	مرباجات و کنسروهای غیرگوشتی	فعال
۹	رژین تاک (رژین)	روستای سرابله کرمانشاه	پورهٔ سیب	فعال
۱۰	مروارید غرب (بنی‌تا)	شهرک صنعتی فرامان	کنسانتره، شربت و نکتار	غیرفعال
۱۱	پرتو نخل غرب	شهرک صنعتی فرامان	خمیر خرما	فعال

منبع: دفتر صنایع کشاورزی، سازمان جهاد کشاورزی استان، ۱۳۹۲

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از نظر روش‌شناسی در گروه پژوهش‌های کیفی جای می‌گیرد. به‌نقل از کوهن و همکاران (Cohen et al., 2007)، می‌توان اعتبار یافته‌های کیفی را از طریق جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف تضمین کرد. در مطالعهٔ حاضر به‌منظور بررسی جامع‌نگر موضوع، جامعهٔ نمونه از میان مدیران واحدهای فرآوری میوهٔ موجود در استان کرمانشاه (اعم از فعال و غیرفعال) و کارشناسان سازمان‌های مرتبط با موضوع پژوهش (معاونت تولیدات گیاهی و دفتر صنایع کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی، سازمان صنعت، معدن و تجارت، و سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی استان) به‌صورت هدفمند انتخاب شد. در قالب رویکرد مثلث‌سازی^۱، از اعتبار داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق مصاحبهٔ

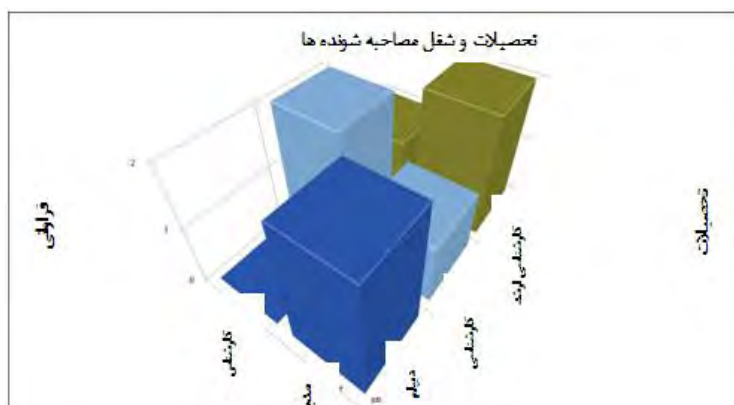
1. Triangulation

عمیق انفرادی، اطمینان حاصل شد. هر مصاحبه عمیق به‌طور میانگین ۳۰ تا ۷۰ دقیقه به‌طول انجامید. مصاحبه با این سؤال باز که به‌نظر شما صنایع تبدیلی در بخش فرآوری انواع میوه با چه مشکلات و چالش‌هایی مواجه است، آغاز می‌شد. پس از انجام هشت مصاحبه به‌طول بیش از ۱۰ ساعت، اشباع تئوریک^۱ به‌دست آمد و فرایند جمع‌آوری داده‌ها خاتمه یافت، بدین معنا که از مصاحبه‌های بعدی اطلاعات جدیدی حاصل نشد. به‌دلیل حجم بالای داده‌ها در پژوهش‌های کیفی و تحلیل زمان‌بر آنها، بهتر است از نرم‌افزارهای کیفی استفاده شود (Berg & Silverman, 2001; Patton, 2002; Morse & Richard, 2012; Lune, 2001). نرم‌افزارهای رایانه‌ای، پایایی و دقت فرایند کدگذاری را در تحلیل محتوا افزایش می‌دهند (Kondracki et al., 2002, 227). NVivo₁₀ ابزاری قدرتمند است که تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و تحلیل محتوای مصاحبه‌های میدانی را -که در پژوهش حاضر از آنها استفاده شده است- تسهیل می‌کند (Hutchison et al., 2010). بدین ترتیب، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، هریک در قالب فایل جداگانه‌ای در نرم‌افزار Word تایپ شد و با فراخوانی فایل‌ها در محیط نرم‌افزار NVivo₁₀، کدگذاری مصاحبه‌ها انجام شد. پس از تکمیل فرایند کدگذاری، تمام استدلال‌های مطرح‌شده در مطالعات مرتبط استخراج شدند (Azeem & Salfi, 2012) و در نهایت با ایجاد رابطه میان کدها، مدل چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه در نرم‌افزار ترسیم شد.

یافته‌ها و بحث

در شکل ۲ تعداد مصاحبه‌شونده‌ها به تفکیک کارشناس^۲ و مدیر^۳ و میزان تحصیلات هریک از آنها نشان داده شده است.

-
1. Theoretical saturation
 2. Expert
 3. Manager

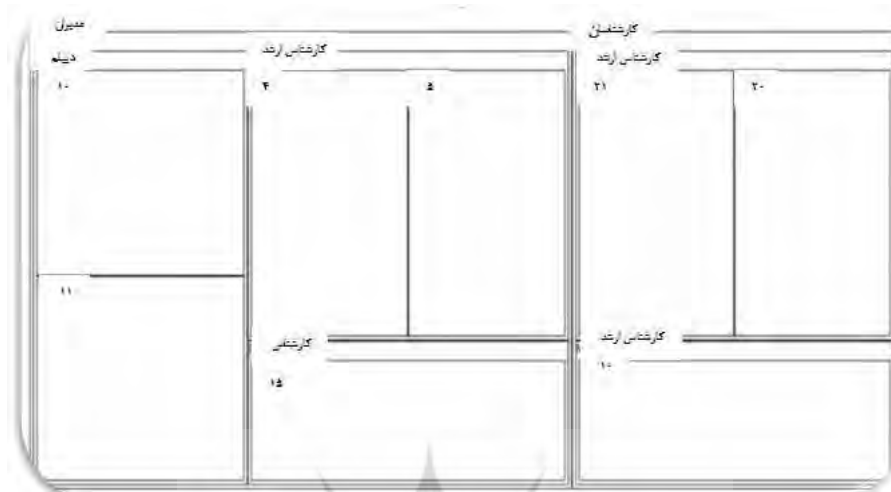


شکل ۲. تحصیلات نمونه‌های مطالعه‌شده

منبع: یافته‌های پژوهش

با استناد به خروجی سه‌بعدی نرم‌افزار، ۳ نفر از نمونه‌های مطالعه‌شده کارشناس و ۵ نفر از آنها مدیر واحدهای صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه بودند. از میان کارشناسان، ۲ نفر دارای مدرک تحصیلی لیسانس و ۱ نفر فوق‌لیسانس بود. تحصیلات ۲ نفر از مدیران واحدهای فرآوری در سطح دیپلم، ۱ نفر لیسانس و ۲ نفر در سطح فوق‌لیسانس بود. در شکل ۳، فراوانی‌های هر یک از کدها، به تفکیک مصاحبه‌شونده‌ها و تحصیلات آنها آمده است.

با استناد به خروجی نرم‌افزار NVivo10، مصاحبه‌شونده‌ها چالش‌های استخراجی را ۹۶ بار مورد تأکید قرار دادند که از آن تعداد، ۵۱ تکرار از سوی کارشناسان (سمت راست نمودار) و ۴۵ تکرار از سوی مدیران واحدهای فرآوری (سمت چپ نمودار) بود. بنابراین، کارشناسان تأکید بیشتری بر چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان داشتند. فراوانی‌های مربوط به کدها نیز بین کارشناسان دارای مدرک لیسانس، بالاتر از مدیران بود (کارشناس لیسانس: ۲۱ بار و مدیر لیسانس: ۱۵ بار).



شکل ۳. فراوانی کدهای ارجاعی به طبقات هشتگانه چالش‌ها به وسیله گروه‌های مصاحبه‌شونده
منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای داده‌ها در محیط نرم‌افزار NVivo10 منجر به استخراج ۳۱ مفهوم در کدگذاری باز و ۸ طبقه اصلی در کدگذاری محوری شد (جدول ۳). در جدول ۳، منظور از منبع^۱، تعداد کل مصاحبه‌شونده‌هایی است که به مفهوم مورد نظر اشاره کردند و تعداد ارجاعات، تکرار دفعاتی است که هر مفهوم از سوی مصاحبه‌شونده‌ها مورد تأکید قرار گرفت. بر این اساس، بیشترین فراوانی از نظر منبع مربوط به مفاهیم نوسان قیمت نهاده‌های تولید (اعم از انواع میوه، شکر، ظروف بسته‌بندی مرباجات) و نیز دست‌وپاگیربودن فرایند دریافت تسهیلات بانکی بود (۶ مصاحبه‌شونده). از نظر تعداد ارجاعات نیز مفهوم نوسان قیمت نهاده‌های تولید بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند. اهمیت این چالش در صنایع تبدیلی انواع میوه استان تا جایی است که از ۸ مصاحبه‌شونده، ۶ نفر ۱۶ بار بر آن تأکید کردند.

1. Source

جدول ۳. تحلیل ادراکی کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

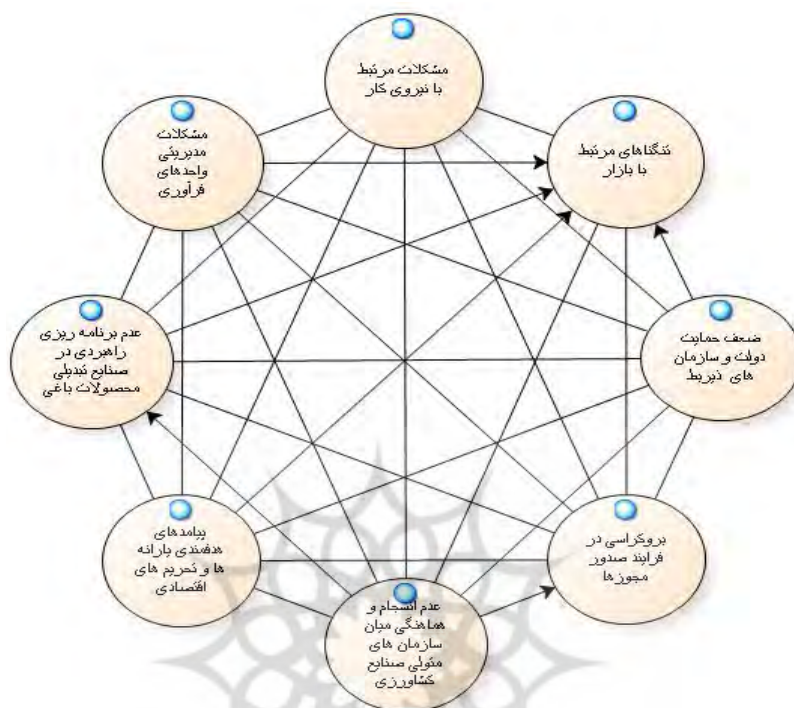
تعداد ارجاعات	فراوانی (منبع)	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۷	۵	پایین بودن تجربه و ضعف دانش فنی کارشناسان مرتبط با فرایند صدور مجوزها	کاغذبازی در فرایند صدور مجوزها
۷	۴	سخت‌گیری‌های اداری در صدور پروانه‌ها	
۲	۲	طولانی بودن فرایند صدور مجوزها	
۱۶	۱۱	جمع	
۱۵	۵	افزایش قیمت تمام شده فرآورده‌های تبدیلی	پیامدهای هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی
۵	۴	ضعف فناوری واحدهای فرآوری	
۲	۲	نادیده‌انگاشتن بخش تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها	
۱۶	۶	نوسان قیمت نهاده‌های تولید	
۳۸	۱۷	جمع	
۱۱	۲	باغداری سنتی و کمبود انواع میوه	تنگناهای مرتبط با بازار
۱	۱	بی‌اعتمادی مردم به سلامت محصولات فرآوری شده	
۶	۳	خرید نقدی مواد اولیه و فروش نسبه فرآورده‌ها	
۶	۴	قیمت‌گذاری غلط فرآورده‌های تولیدی از سوی دولت	
۲۴	۱۰	جمع	
۳	۳	بالا بودن بهره تسهیلات بانکی	ضعف حمایت دولت و سازمان‌های ذی‌ربط
۱۳	۶	دست‌وپاگیر بودن فرایند دریافت تسهیلات بانکی	
۲	۲	ضعف آموزش‌های ترویجی در زمینه فرآوری انواع میوه	
۴	۳	ضعف سیاست‌های حمایتی دولت	
۱۲	۴	کم‌توجهی به صنایع فرآوری بخش کشاورزی	
۲	۲	پرداخت نشدن بموقع تسهیلات بانکی	
۳	۲	ناکافی بودن تسهیلات بانکی	
۲	۲	وثیقه سنگین تسهیلات بانکی	
۴۱	۲۴	جمع	
۴	۲	تعدد سازمان‌های متولی	نبود انسجام و هماهنگی
۶	۳	مدیران ناکارآمد سازمان‌های مرتبط با صنایع	میان سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی
۱۰	۵	جمع	

ادامه جدول ۳. تحلیل ادراکی کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

تعداد ارجاعات	فراوانی (منبع)	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۵	۴	ضعف در تدوین برنامه‌های اجرایی	نبود برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی
۳	۲	ضعف زیرساخت‌ها در شهرک‌های صنعتی	
۴	۳	مکان‌یابی نامناسب صنایع تبدیلی انواع میوه در استان	
۱۲	۹	جمع	
۲	۲	بی‌توجهی مدیران به مطالعات امکان‌سنجی و پتانسیل‌سنجی	مشکلات مدیریتی واحدهای تبدیلی انواع میوه
۲	۲	بی‌توجهی مدیران واحدهای فرآوری به بازاریابی فرآورده‌های تولیدی	
۷	۴	ضعف دانش فنی و مدیریتی مدیران واحدهای فرآوری	
۲	۲	ضعف دیدگاه کل‌نگر در مدیران	
۱۳	۱۰	جمع	
۵	۳	ضعف فرهنگ کاری در کارگران	مشکلات مرتبط با نیروی کار
۵	۳	ضعف قوانین مرتبط با نیروی کار	
۸	۳	کمبود نیروی کار ماهر بومی	
۱۸	۹	جمع	

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت با توجه به قابلیت نرم‌افزار NVivo₁₀ در مدل‌سازی، میان کدها و طبقه‌های استخراج شده از سوی پژوهشگران، روابط منطقی برقرار و مدل مفهومی مطابق شکل ۴ ترسیم شد.



شکل ۴. چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های جدول ۳، طبقه ضعف حمایت دولت و سازمان‌های ذی‌ربط بالاترین فراوانی و تعداد ارجاعات را به خود اختصاص داده (به ترتیب ۲۴ و ۴۱) که گویای اهمیت این چالش است. در طبقه مذکور، مفهوم دست‌وپاگیربودن فرایند دریافت تسهیلات بانکی از سوی ۶ نفر از مصاحبه‌شونده‌ها، ۱۳ بار مورد اشاره قرار گرفت. کم‌توجهی به صنایع فرآوری بخش کشاورزی با تعداد ارجاعات ۱۳ بار، کد دیگر این طبقه است که بالاترین اشاره را به خود اختصاص داد. به بیان نمونه‌های مطالعه‌شده، «قراردادهایی که بانک با تولیدکننده می‌بندد، عهدنامه ترکمانچای است و تولیدکننده برای تأمین وثیقه سنگین، تحت فشار قرار می‌گیرد».

مواد اولیه کارخانه‌های فرآوری فصلی است و در فصل برداشت می‌بایست سرمایه در گردش در دست تولیدکننده باشد تا مواد اولیه موردنیاز کارخانه را تأمین کند؛ اما به دلیل کاغذبازی و وثیقه سنگین، این فرایند گاه به حدی طولانی می‌شود که افزایش قیمت‌ها در طول زمان از آن پیشی می‌گیرد و میزان وام اعطایی برای حل مشکلات تولیدکننده کافی نیست. افزون بر این، بانک نیز درصدی از تسهیلات را تا زمان تقسیط (یک سال بعد) بلوکه می‌کند که پس از پایان دوره تنفس و تقسیط وام، آزاد می‌شود. سود دوران مشارکت به حدی بالاست که بخش اعظم مبلغ آزادشده می‌بایست به بانک برگردانده شود. به نقل از مصاحبه‌شونده‌ها «اعتبارات بانکی، تولیدکننده را فلج می‌کند. بهره بالای تسهیلات بانکی، تولید در بخش کشاورزی را غارت می‌کند، چراکه بخش اعظم سود کارخانه طی چند سال بابت بهره بانکی ۳۵ درصدی باید به بانک‌ها پرداخت شود». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان با صراحت اظهار کرد که «در بسیاری از موارد، برای تکمیل مراحل مختلف طرح به سطح موردنظر بانک، متقاضی مجبور می‌شود از سروته طرح بزند. از این رو، آنچه در طرح توجیهی اولیه آمده است با آنچه اجرا می‌شود، مغایرت دارد و پس از شروع تولید، مشکلات پدیدار می‌شود».

پژوهشگرانی همچون کلانتری (۱۳۷۹، ۱۲)، فلاحتی (۱۳۸۹، ۱۸۰) و اونو و اکین^۱ (۲۰۰۹، ۱۴۹) به این موضوع اشاره کرده‌اند. معضلات پیش‌گفته در خصوص تسهیلات بانکی فقط بخشی از حمایت‌های دولت است و سیاست‌های حمایتی به‌ویژه در مناطق محروم کشور - نظیر استان کرمانشاه- و کم‌توجهی به صنایع فرآوری بخش کشاورزی در برنامه‌ریزی‌های کلان دولت، چالش دیگری است که در این زمینه وجود دارد (جدول ۳). بخش وسیعی از حمایت‌های (ناچیز) دولت صرفاً به سمت بخش تولید هدایت می‌شود، در حالی که تولید و مصرف باید در کنار هم دیده شوند. رادفر و تیموری (۱۳۸۹، ۱۰۱) و عبادی (۱۳۸۸، ۳) از تمرکز

1. Onu & Ekine

سیاست‌های دولت بر تولید و نادیده‌انگاشتن مصرف و بازاریابی، به‌عنوان چالش فرآوری صنایع تبدیلی کشور یاد کرده‌اند. آموزش‌های ترویجی در زمینه فرآوری انواع میوه بخش دیگری از حمایت سازمان‌های متولی صنایع روستایی است که جای آن در برنامه‌های آموزشی خالی است. ضعف حمایت‌های دولت سرانجام چالش‌هایی را در زمینه بازار صنایع فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه پدید آورد (شکل ۴). یافته پژوهش حاضر در این زمینه با نتایج پژوهش اصغری لقمجانی و همکاران (۱۳۹۱، ۵۲) که حمایت‌نکردن دولت را عاملی محدودکننده در توسعه صنایع تبدیلی شهرستان کهگیلویه دانسته‌اند، هم‌سوئی دارد.

دومین چالش فرآوری صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه، پیامدهای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی است. در این زمینه، کد نوسان قیمت نهاده‌های تولید بیشترین فراوانی و تعداد ارجاع را به خود اختصاص داده است (به ترتیب ۶ و ۱۶). اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از یک‌سو و تحریم‌های اقتصادی از سوی دیگر، ضربه جبران‌ناپذیری به تولیدکنندگان وارد کرد. تولیدکننده‌ای که به‌نظر می‌رسید امیدش را به‌کلی از دست داده است، گفت: «قانون هدفمندی هم به ما ضربه زد هم به باغ‌داران؛ از یک‌سو افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی و قیمت انواع میوه را به‌دنبال داشت و از سوی دیگر، قیمت ظروف بسته‌بندی و سایر مواد اولیه نظیر شکر چندبرابر شد. کارخانه‌دار تولید مربایی که با توت‌فرنگی کیلویی ۵۰۰۰ تومان و شکر کیلویی ۲۵۰۰ تومان مربا تولید کرده است، محصولش را به چه قیمتی به بازار بدهد که مصرف‌کننده راضی باشد؟ اگر چند شرینگ از تولید قبل را بخواهیم با سفارش جدید (به‌قیمت بالاتر) بفروشیم، خریدار شاک می‌شود که چرا قیمت‌ها افزایش یافته است». گرانی نهاده‌های تولید در مطالعه کلانتری (۱۳۷۹، ۱۲) نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. یکی از مدیران واحدهای فرآوری، چالش تحریم‌های اقتصادی را این‌گونه مطرح کرد: «تحریم‌ها موجب نوسان قیمت مواد اولیه شده‌اند. از طرفی، خرید قطعات یدکی وارداتی به‌دلیل وجود تحریم‌ها و نوسان قیمت ارز با مشکل مواجه است. به همین دلیل ما نمی‌توانیم فناوری را به‌روز

کنیم و فرآوری بدون بسته‌بندی انجام می‌شود». این چالش به دلیل وابستگی بخش صنعت کشور به درآمدهای نفتی است، که عبادی (۱۳۹۰، ۲۶) نیز به‌عنوان یکی از مشکلات اصلی بخش صنعت کشور بر آن تأکید کرده است. براساس شکل ۴، چالش‌های یادشده ریشه‌ی بروز تنگناهای مرتبط با بازار هستند که با فراوانی ۱۰ و تعداد ارجاعات ۲۴، رتبه‌ی سوم را بین سایر چالش‌ها به خود اختصاص داده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، هدفمندی پارانه‌ها موجب نوسان قیمت نهاده‌های تولید شده است، از این‌رو فروشندگان مواد اولیه - از جمله باغ‌داران - انتظار دارند واحدهای فرآوری به‌صورت نقدی با آنها معامله کنند. از طرفی، قدرت خرید مشتری‌ها نیز در بازار کاهش یافته است و خرید نقدی فرآورده‌ها برای آنها امکان‌پذیر نیست. واحدهای فرآوری باید مواد اولیه را نقدی خریداری کنند، اما فرآورده‌ها را نسیه بفروشند. یکی دیگر از کدهایی که بالاترین فراوانی (۴) را در چالش تنگناهای مرتبط با بازار به خود اختصاص داد، قیمت‌گذاری غلط فرآورده‌های تولیدی از سوی دولت بود. از آنجاکه این قیمت‌ها جنبه‌ی دستوری دارند و به‌صورت اجباری تعیین می‌شوند، تعزیرات و سازمان حمایت از مصرف‌کننده بر آنها نظارت دارند. طبق نظر کارشناسان تعزیرات، هرچه وزن فرآورده کمتر باشد قیمت آن کمتر است، درحالی‌که هزینه‌ی تمام‌شده فرآورده با وزن آن رابطه‌ی خطی ندارد. از این‌رو، قیمت تعیین‌شده (غلط) با قیمت تمام‌شده فرآورده‌ها تناسب ندارد و موجب متضرر شدن کارخانه‌های فرآوری می‌شود. در تأیید این یافته یکی از مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بود که: «برای جبران ضرر و زیان ناشی از قیمت‌گذاری نامناسب، تولیدکننده مجبور است کیفیت محصول را کاهش دهد یا از کیفیت بسته‌بندی بکاهد که در هر دو حالت، بازار فروش را از دست خواهد داد».

بی‌اعتمادی مردم به سلامت محصولات فرآوری‌شده به دلیل افزودنی‌های شیمیایی یکی دیگر از کدهایی است که در چالش تنگناهای بازار فرآورده‌های میوه از سوی مصاحبه‌شونده‌ها مطرح شد. به عقیده یکی از تولیدکنندگان که ضرر و زیان بالایی را متحمل شده بود: «به دلیل زیان‌آوردن بسیاری از افزودنی‌ها، رغبت مردم به مصرف محصولات تازه باغی بیش از

فرآورده‌های تبدیلی است. اگر کارخانه‌ای بخواهد از افزودنی‌های مناسب و غیرشیمیایی استفاده کند، می‌بایست هزینه بالاتری متحمل شود، که صرفه اقتصادی ندارد». از طرفی، تعیین قیمت تضمینی برخی محصولات زراعی نظیر گندم و ذرت، بر الگوی کشت مناطق روستایی استان تأثیر سوء گذاشته و از انگیزه کشاورزان برای احداث و احیای باغ‌ها کاسته است. سیاست غلط قیمت‌گذاری دولت موجب شده است که باغ‌های استان همچنان سنتی باقی بمانند و فرهنگ زراعت بر باغداری غالب شود. این معضل در نهایت کمبود انواع میوه (مواد اولیه کارخانجات فرآوری) را به دنبال داشته است، که به‌عنوان یکی دیگر از کدها در طبقه تنگناهای مرتبط با بازار، ۱۱ بار مورد تأکید مدیران واحدهای فرآوری قرار گرفت (جدول ۳). عامل دیگر سنتی بودن باغ‌ها و کمبود انواع میوه، کمبود نیروی جوان در مناطق روستایی به دلیل مهاجرت‌های روستاشهری است. یکی از مدیران در بیان تأثیر مهاجرت جوانان روستایی بر باغ‌های استان، اظهار کرد: «باغ به مراقبت نیاز دارد و باغ‌داران مسن هستند. باغ‌داران برای غلبه بر این مشکل به نارس چینی روی آورده‌اند که موجب کاهش کیفیت و کمیت میوه - به‌عنوان مهم‌ترین مواد اولیه کارخانه‌های فرآوری - شده است». این باغ‌دار معتقد بود که جوانان انگیزه ماندن در روستا را به دلایل مختلف - به‌ویژه نبود فرصت‌های شغلی در روستا - از دست داده‌اند و این مسئله سبب شده است که باغ‌های استان همچنان سنتی باقی بمانند.

از دیدگاه جامعه مطالعه‌شده، تنگناهایی نظیر کاغذبازی در فرایند صدور مجوزها و مشکلات مرتبط با نیروی کار در صنایع تبدیلی انواع میوه استان کرمانشاه، اهمیت یکسانی داشتند. معضل تجربه محدود و ضعف دانش فنی کارشناسان مرتبط با فرایند صدور مجوزها با فراوانی ۵، در کنار سخت‌گیری‌های اداری صدور پروانه‌ها با فراوانی ۴، بالاترین تعداد ارجاعات را به دست آوردند (۷بار). یکی از مدیران ضمن مرور تجربه تلخ دریافت مجوز بیان کرد: «سازمان‌های متولی صدور مجوز، کارایی ندارند و از الگوی سازمان‌های چابک که انعطاف‌پذیری بالایی دارند و تصمیم‌گیری و تغییر رویه در آنها به سرعت انجام می‌شود، پیروی نمی‌کنند. گاه

سال‌ها طول می‌کشد تا مجوز صادر شود». اگرچه در سال‌های اخیر به‌منظور تسهیل انجام این امور، نمایندگان سازمان‌های متولی صدور مجوزها در مرکزی با عنوان «پنجره واحد»^۱ مستقر شدند، اما در عمل بهبودی در بوروکراسی فرایند ایجاد نشد، زیرا نمایندگان سازمان‌های متبوع در بسیاری از مواقع درگیر برگزاری جلسه و انجام مأموریت‌های اداری هستند و به‌طور دائم در مرکز مذکور حضور ندارند. به‌زعم یکی دیگر از مدیران واحدهای فرآوری «مشکل کاغذبازی اداری علاوه بر آنکه در ابتدای کار مسئله‌ساز است و برخی متقاضیان را در نیمه راه از پای درمی‌آورد، هنگام ایجاد تغییر در خط تولید نیز ۴۵ روز طول می‌کشد تا درخواست متقاضی بررسی شود. در این فرایند، اداره استاندارد یکی از گره‌های بوروکراتیک است».

با استناد به مصاحبه‌های میدانی، چارت فرایند صدور مجوزها در سازمان‌های متولی وجود ندارد و اطلاع‌رسانی در این خصوص ضعیف است. این وضعیت موجب دوباره‌کاری‌هایی می‌شود که وقت و انرژی متقاضی را تحلیل می‌برد و هزینه دریافت پروانه را افزایش می‌دهد. در پیشینه مرتبط با موضوع به معضل بوروکراسی در فرایند صدور مجوزها به‌صراحت اشاره نشده و صرفاً در قالب مشکلات ناشی از نقش دولت و نهادهای وابسته به آن، اشاره‌ای ضمنی به این مسئله شده است (عبادی، ۱۳۸۸، ۳). در پژوهش حاضر، دلیل وجود بوروکراسی در فرایند صدور مجوزها از دیدگاه کارشناسان و مدیران واحدهای فرآوری انواع میوه، تا حد زیادی تجربه محدود و ضعف دانش فنی کارشناسان ذی‌ربط است. گفته‌های یکی از نمونه‌های مورد مطالعه، گواهی بر این مدعاست: «جداسازی هسته‌بالنگ با دست امکان‌پذیر نیست و کارشناسان اداره استاندارد به‌دلیل بی‌اطلاعی، به این مسئله ایراد می‌گیرند. آنها دانش فنی فرآوری میوه را ندارند». چالش دیگری که با استناد به مدل استخراجی پژوهش (شکل ۴) بر بوروکراسی فرایند صدور مجوزها تأثیرگذار است، نبود انسجام و هماهنگی میان سازمان‌های متولی صنایع

۱. مرکز خدمات سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی استان کرمانشاه

کشاورزی است، که به‌عنوان چالشی دیگر در طبقه‌ای مستقل جای گرفته است (جدول ۳) و ریشه در تعدد سازمان‌های متولی صنعت و مدیران ناکارآمد^۱ در این سازمان‌ها دارد. در زمان حاضر، این مسئله موجب موازی‌کاری و برخورد متقاضیان با مقررات متناقض این سازمان‌ها و درنهایت، تشدید بوروکراسی شده است.

مصاحبه‌شونده‌ها درخصوص مشکلات مربوط به نیروی کار، بر مشکل کمبود نیروی کار ماهر بومی در استان با کدهای ضعف فرهنگ کاری کارگران و ضعف قوانین مرتبط با نیروی کار، تأکید بیشتری داشتند؛ تاجایی که ۸ بار به آن اشاره کردند. بنابر یافته‌ها، در بخش تولید استان نیروی شایسته و ماهر وجود ندارد، بخش اعظم کارگران بومی بی‌سوادند و نمی‌توانند با دستگاه‌های مدرنی که نیاز به اطلاع از زبان انگلیسی دارند، کار کنند. در نتیجه بسیاری از واحدهای فرآوری میوه، کارگران ماهر و تکنیسین‌ها را از خارج از استان (مشهد، همدان) استخدام می‌کنند و حقوق و دستمزد بالایی به آنها می‌پردازند و هزینه‌های تولید در این واحدها افزایش می‌یابند. یکی از مدیرانی که این معضل را به‌خوبی لمس کرده بود، گفت «نیروی کار ماهر در استان در دسترس نیست و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مهارت عملی ندارند، اکثراً بی‌تجربه‌اند و دانش فنی آنها ضعیف است. در استان کرمانشاه تکنیسین دست‌به‌آچار کم داریم، همه ادعای کارشناسی می‌کنند! درحالی‌که نبض موفقیت صنعت در دست نیروی انسانی ماهر است». ضعف فرهنگ کاری نیز یکی دیگر از چالش‌های نیروی کار در واحدهای فرآوری میوه در استان کرمانشاه است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها این معضل را چنین بیان کرد: «کارگران کرمانشاهی مدیران را پیر می‌کنند، اکثراً مهاجران روستایی هستند که فرهنگ دیم‌کاری دارند. در کشاورزی دیم، برنامه کاری و زمان‌بندی برای عملیاتی نظیر آبیاری وجود ندارد، از این‌رو کارگران برنامه‌پذیر نیستند. درحالی‌که در تولید صنعتی، برنامه‌ریزی جایگاه اول را دارد.

۱. ریشه ناکارآمدی مدیریت، تعویض مدیریت‌هاست.

کارگران، مهارت هم ندارند. صنعت، دانشگاه نیست که نیروی کار در آنجا آموزش ببیند. رسالت ما برگزاری دوره‌های بدو خدمت و ضمن خدمت برای پرسنل کارآموده است. درحالی‌که مدیران باید از نحوه رفتار در محیط کار تا مهارت‌های تخصصی را به آنها آموزش دهند. بدین ترتیب، افزون بر افزایش هزینه آموزش، پس از ارتقای مهارت، توقع کارگران هم بالا می‌رود و درخواست افزایش حقوق دارند. درحالی‌که تخصص و مهارت کنونی را می‌بایست در ابتدای خدمت می‌داشتند. از این رو، محیط کار را ترک می‌کنند». با استناد به شرحی که گذشت، میان کارگر و کارفرما اختلاف درمی‌گیرد و مشکل به اداره کار کشانده می‌شود. در آنجا نیز شفاف نبودن قوانین کار و به‌روزی نبودن بسیاری از مواد آن، معضل دیگری است که طرفین با آن مواجه می‌شوند. به همین دلیل به‌روشنی مشخص نیست که کجا حق با کارگر است و کجا کارفرما. به‌روزی نبودن ضوابط مندرج در قانون کار را ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۱، ۳)، امین‌آقایی (۱۳۸۷، ۱۳۴) و سوندرا و سریوانسان (Sundar & Srivansan, 2009, 23) نیز مطرح کردند.

مشکلات مدیریتی واحدهای تبدیلی که در پیشینه نگاشته‌ها نیز بر آن تأکید شده (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳؛ امین‌آقایی، ۱۳۸۷، ۱۳۴ و Sundar & Srivansan, 2009, 23) یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر است. در طبقه مذکور، ۴ مفهوم جای گرفته‌اند که از میان آنها، ضعف دانش فنی و مدیریتی مدیران واحدهای فرآوری از سوی ۴ نفر از مصاحبه‌شونده‌ها، ۷ بار مورد اشاره قرار گرفته است. به باور مصاحبه‌شونده‌ها، مدیران و مالکان واحدهای فرآوری، تخصص ندارند و بدون توجه به جوانب امر، اقدام به احداث کارخانه می‌کند. در تأیید این امر یکی از مدیران واحدهای مورد مطالعه بیان کرد: «سرمایه‌دار ما متخصص نیست. قصاب، سرمایه‌دار است و کارخانه فرآوری میوه می‌زند! گاهی نیز با رابطه و پارتی اقدام به دریافت مجوز می‌کنند. دانش مدیریتی و اطلاعات قانونی و حقوقی مالکان نیز ضعیف است، ریسک‌ها را پیش‌بینی نمی‌کنند و در بسیاری از موارد به مشاوره علمی اعتقادی ندارند و طرح در نیمه راه می‌شود. این مسئله برای اهل فن هم بدبینی ایجاد می‌کند و دیگر کسی طرف

طرح‌های مشابه نمی‌رود». بخش اعظم معضلات یادشده ناشی از ضعف نهادهایی نظیر مراکز مشاوره صنعت در زمینه‌های مختلفی نظیر میزان سرمایه‌گذاری، انتخاب مکان و ماشین‌آلات مناسب و مهم‌تر از آن بازاریابی و بازاریابی است (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳؛ امین‌آقایی، ۱۳۸۷، ۱۳۴ و Sundar & Srivansan, 2009, 23).

علاوه بر مطالب یادشده، متقاضیان توجه چندانی به پتانسیل‌های استان ندارند و این مسئله موجب شده است که کارخانه‌های فرآوری بخش اعظم میوه را از خارج از استان تأمین کنند. از طرفی، مدیران واحدهای تبدیلی فاقد دیدگاه کل‌نگر در فرایند تولید هستند و تمام تلاش‌شان را صرفاً در فرایند تولید متمرکز می‌کنند و به بازاریابی فرآورده‌های تولیدی نمی‌پردازند. گفته‌های یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه چنین است: «صاحبان صنایع دید محدودی دارند و تمام هم و غم خود را بر تولید می‌گذارند، بدون آنکه آینده‌نگر باشند و به بازار فروش نیز توجه کنند. تبلیغات و بازار را نمی‌بینند، مثل بقالی عمل می‌کنند و انتظار دارند مردم تولیدات آنها را بخرند». بدین ترتیب، مشکلات مدیریتی واحدهای فرآوری به تنگناهای مرتبط با بازار می‌انجامد و موجب تعطیلی واحدهای فرآوری می‌شوند (شکل ۴). کدهای بی‌توجهی مدیران به مطالعات پتانسیل‌سنجی و بازاریابی فرآورده‌های تولیدی و نیز ضعف دیدگاه کل‌نگر مدیران، اهمیت یکسانی دارند (جدول ۳).

طبق یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در محیط NVivo₁₀، یکی دیگر از مشکلات واحدهای فرآوری، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی است که خود منشأ بسیاری از تنگناهای مرتبط با بازار این صنایع است. چالش یادشده در قالب یک طبقه مستقل، سه مفهوم ضعف در تدوین برنامه‌های اجرایی، ضعف زیرساخت‌ها در شهرک‌های صنعتی و مکان‌یابی نامناسب صنایع تبدیلی انواع میوه در استان را در خود جای داده است. مفهوم نخست با بالاترین فراوانی (۴) و تعداد ارجاعات (۵)، اهمیت بیشتری درمقایسه با کدهای دوم و سوم دارد. با استناد به گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ها، صنایع تبدیلی و تکمیلی در

بخش کشاورزی، حلقه گمشده زنجیره عرضه مواد غذایی هستند و فرایندهای پس از برداشت، در قالب برنامه‌ای راهبردی و منسجم، مدون نشده است. در این زمینه، یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اظهار کرد: «از نظر کیفیت، بهترین کنسانتره میوه را می‌توان در استان تولید کرد، در حالی که برنامه مدون و استراتژیکی در این زمینه وجود ندارد. در شرایط کنونی، باغ‌دار مجبور است محصول خود را با هزار مشکل، تازه بفروشد و گرنه روی دستش می‌ماند و ضایع می‌شود، چون برنامه‌ریزی برای فرآوری این محصولات انجام نشده است. در بسیاری موارد نیز مجوزها بدون برنامه و انجام مطالعات پتانسیل‌سنجی و امکان‌سنجی صادر شده و بسیاری از واحدهای فرآوری در شهرک‌های صنعتی استقرار یافته‌اند». زمین‌های شهرک‌های صنعتی پیش از تکمیل امکانات زیرساختی نظیر اینترنت، گاز و شبکه فاضلاب به متقاضیان واگذار می‌شود و با توجه به استقرار آنها در حاشیه شهرها، وقت و هزینه زیادی برای برقراری ارتباط الکترونیک با مشتریان باید صرف شود. مکان‌یابی نامناسب صنایع تبدیلی انواع میوه در استان یکی دیگر از کدهایی است که در طبقه فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی از سوی سه تن از مصاحبه‌شونده‌ها، ۴ بار بر آن تأکید شده است. اگرچه صنایع تبدیلی کشاورزی در گروه صنایع مواد اولیه‌گرا طبقه‌بندی شده‌اند (کلانتری، ۱۳۸۰، ۱۹۲)، اما براساس جدول ۱، بسیاری از واحدهای فرآوری میوه به دور از کانون‌های تولید (مناطق روستایی) و در شهرک‌های صنعتی مستقرند. این مسئله، بالابودن هزینه تأمین میوه را که مهم‌ترین ماده اولیه این کارخانجات به‌شمار می‌آید، توجیه‌ناپذیر کرده است. براساس گفته‌های یکی از مدیران واحدهای فرآوری، «باغ‌های موجود از ارقام مختلف هستند و همین موجب شده است که میوه‌های تولیدی یک باغ هم‌زمان نرسند. به همین دلیل، برای کشاورز صرف نمی‌کند که چند کارتن زیتون را از روستاهای دالاهو به کارخانه فرآوری مستقر در شهرک صنعتی کرمانشاه بیاورد». در مواردی که واحدهای فرآوری در مناطق روستایی احداث شده‌اند نیز به دلیل تصمیم سلیقه‌ای سرمایه‌دار و بی‌توجهی به شاخص‌های مکان‌یابی، کارخانه در محلی نامناسب ساخته شده است و در عمل،

تحويل میوه روستاهای پیرامون به آن امکان‌پذیر نیست. این معضل موجب شده است که مدیران این واحدها مواد اولیه‌شان را با صرف هزینه مضاعف از میدان میوه و تره‌بار کرمانشاه تأمین کنند.

در مجموع بین ۸ طبقه استخراج‌شده، بیشترین فراوانی کدها را طبقه ضعف حمایت دولت و سازمان‌های ذی‌ربط با ۲۴ مورد اشاره و کمترین آنها را طبقه نبود انسجام و هماهنگی میان سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی با ۵ مورد اشاره دارند.

پیشنهادها

در پژوهش حاضر، تنگناها و چالش‌های فراروی واحدهای صنایع تبدیلی انواع میوه در استان بررسی شدند. براساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی در این بخش مطرح می‌شوند.

- با توجه به اهمیت چالش حمایت ناکافی دولت و سازمان‌های ذی‌ربط، معافیت واردات مواد اولیه موردنیاز صنایع صادراتی از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی - که در کره جنوبی نیز از سیاست‌های توسعه صادرات غیرنفتی است - می‌تواند راهگشا باشد.

- با تأکید مصاحبه‌شونده‌ها بر چالش‌های مربوط به دریافت تسهیلات بانکی، سیاست‌گذاران صنایع روستایی می‌بایست نظام بانکی را به رفع قوانین دست‌وپاگیر اداری و پرداخت بموقع اعتبارات به متقاضیان ملزم کنند. با توجه به ارزش افزوده بالای فرآورده‌های باغی و نقش آن در توسعه صادرات غیرنفتی، نظام بانکی می‌تواند با اعمال نظارت بر روند هزینه‌شدن اعتبارات پرداخت‌شده در چارچوب طرح توجیهی - نه صرفاً بناکردن ساختمانی نیمه‌تمام و هزینه‌کردن تسهیلات با اهداف شخصی - از هدررفت اعتبارات پرداختی جلوگیری کند.

- با در نظر گرفتن تأثیر جدی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تأکید مدیران بر پیامدهای منفی آن، پیشنهاد می‌شود دولت به پرداخت سهم یارانه بخش تولید توجه ویژه کند، تا ضمن

ثابت ماندن قیمت نهاده‌های تولید و فرآورده‌های تولیدی، به حل چالش‌های ناشی از اجرای قانون در خصوص صنایع فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه، گام برداشته شود.

- به منظور حل تنگناهای بازار صنایع فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه، مدیران واحدهای مذکور می‌بایست سنتی بودن باغ‌های استان و نیز تمایل نداشتن مردم به مصرف فرآورده‌های دارای مواد افزودنی را به عنوان فرصت در نظر بگیرند و با تولید فرآورده‌های ارگانیک انواع میوه در استان، بخش اعظم مشکلات بازار را حل کنند. راهکار دیگری که در این زمینه می‌توان مطرح کرد، روی آوردن به نظام توزیع امانی (امانتی) است. در توزیع امانی، فرآورده‌های میوه به صورت امانی در اختیار سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های بزرگ قرار می‌گیرند. این مراکز تنها محل عرضه هستند و به صورت توافقی درصدی از درآمد حاصل از فروش فرآورده‌های میوه را از کارخانه‌های فرآوری دریافت می‌کنند. فروش کالا هنگامی انجام می‌شود که برای مصرف کننده فاکتور شود نه توزیع کننده. در این صورت، چنانچه محصول به فروش نرود یا با تأخیر به فروش برسد، واحد فرآوری مجبور می‌شود در بسته‌بندی یا کیفیت تولید خود تجدیدنظر کند یا محصول را به حراج بگذارد. در چنین سیستمی ضمن ایجاد رقابت، حلقه واسطه‌ها حذف می‌شود و تقاضای مصرف کننده قیمت را تعیین می‌کند، نه دولت یا کارخانه‌دار.

- راهکار دیگر در خصوص حل معضل مواد اولیه - به ویژه میوه - پیش خرید انواع میوه در قالب قرارداد مشخص میان باغ‌داران و واحدهای فرآوری است. سیستم قرارداد از اجزای لازم مدیریت زنجیره عرضه غذاست که می‌تواند ارتباط میان باغ‌داران و واحدهای فرآوری را تقویت و مواد اولیه کارخانه و بازار محصول باغ‌داران را تضمین کند.

- در خصوص معضل کاغذبازی در فرایند صدور مجوزها، مدیران سازمان‌های متولی می‌توانند با تجدیدنظر در سازماندهی کارشناسان باتجربه که اکنون در بخش‌های غیرمرتبط مشغول کارند، بخش کارشناسی فرایند مذکور را تقویت کنند و با ممانعت از دوباره‌کاری‌های ناشی از ضعف دانش فنی کارشناسان، فرایند صدور مجوزها را کوتاه کنند.

- هماهنگی بیش از پیش سازمان‌های متولی و تجدیدنظر در مقررات موازی و متناقض از یک سو و انتصاب مدیران برای مدت طولانی و جلوگیری از تعویض پست‌های مدیریتی در سازمان‌های مذکور از سوی دیگر، می‌تواند در حل مشکل نبود انسجام و هماهنگی میان سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی راهگشا باشد. نظارت بر حضور مؤثر کارشناسان اعزامی از سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی در «پنجره واحد» گامی تأثیرگذار در رفع این معضل خواهد بود.

- رفع مشکلات مرتبط با نیروی کار صنایع فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه در گرو بازنگری قوانین مرتبط با صدور مجوزها در سطح کلان است، تا خلأهای قانونی مشخص و برای آنها چاره‌اندیشی شود. مهندسی مجدد قوانین و روزآمد کردن آنها، ضامن انطباق مقررات با شرایط بومی صنعت کشور است. آموزش عالی نیز با ارتقای کیفیت آموزش‌های عملی می‌تواند در تربیت نیروی کار ماهر بومی در استان نقشی اساسی داشته باشد.

- بهره‌گیری از تجربه فعالان عرصه فرآوری و مشورت کردن با وکیل قانونی - که با قوانین و مقررات دریافت مجوز و قوانین حقوقی آشنایی کامل داشته باشد- از آغاز فرایند دریافت مجوز، راهکار دیگری است که در حل مشکلات مدیریتی واحدهای فرآوری پیشنهاد می‌شود. در این میان، انجام مطالعات پتانسیل‌سنجی و امکان‌سنجی به‌عنوان پایه هر کار تولیدی را نیز نباید نادیده انگاشت. اکنون به‌علت بی‌توجهی به این امر، به‌رغم تولید بالای میوه در استان، یکی از معضلات فراروی کارخانه‌ها کمبود انواع میوه است!

- انجام‌نشدن برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی چالش دیگری بود که در پژوهش حاضر مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید کردند. به‌منظور رفع این معضل، برنامه‌ریزی با رویکردی آینده‌نگر می‌تواند مؤثر باشد. در این زمینه، ایجاد بانک اطلاعات و آمار دقیق صنایع مذکور در استان، نخستین گام است. روی آوردن به استقرار کارگاه‌های کوچک فرآوری در

مناطق روستایی - با توجه به کوچکی و پراکندگی باغ‌های استان - با برخورداری از مزایایی نظیر تولید فله و فروش امانی می‌تواند راهگشا باشد.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در پیشینه نگاشته‌ها به معضل انجام‌نشدن برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی اشاره‌ای نشده بود؛ اما در تحلیل کیفی پژوهش حاضر بر این معضل تأکید شد. به‌نظر نگارندگان فقدان برنامه‌ریزی راهبردی را می‌توان ریشه بسیاری از چالش‌های فراروی صنایع مورد مطالعه قلمداد کرد. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه صنایع تبدیلی کشور به‌طور عام و متولیان صنایع فرآوری انواع میوه در استان کرمانشاه به‌طور خاص می‌بایست به‌منظور جلوگیری از هدررفت سرمایه‌های ناشی از غیرفعال شدن کارخانه‌ها هدفمند کردن فرایند صدور مجوزها و جلوگیری از آزمون و خطاهای معمول در صنایع فرآوری را در نظر داشته باشند.

سپاس‌گزاری

از حمایت مالی شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه در انجام رساله «تحلیل راهبردی استقرار صنایع تبدیلی کارگاهی میوه، در مناطق روستایی استان کرمانشاه»، که مقاله حاضر از آن برگرفته شده است، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

اباذری، عطیه و حسینی یکانی، سیدعلی، ۱۳۹۳، اولویت‌بندی مکانی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (مطالعه موردی: استان مازندران)، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۵، شماره ۱، صص. ۱۸۲-۱۷۵.

اداره صدور مجوزهای سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۱.

خدیجه مرادی و همکاران _____ تحلیل کیفی چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه

اصغری لقمجانی، صادق، بدخش، یوسف و فرهادی، ولی‌اله، ۱۳۹۱، بررسی مشکلات و چالش‌های توسعه صنایع روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش لنده، شهرستان کهگیلویه)، خلاصه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، گیلان.

امین‌آقایی، مهرناز، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان صنایع روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، صص. ۱۴۶-۱۲۵.

بزرگمهر، علی، نعمتی، امین، ربانی‌نسب، حجت‌اله، یآوری، ابوالفضل، قرانی، محمد و حیدری، مصطفی، ۱۳۹۲، راهبردهای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی باغی استان خراسان شمالی با استفاده از رویکرد تحلیل عوامل استراتژیک (SWOT)، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد ۲۷، شماره ۲، صص. ۱۱۳-۱۰۳.

دفتر صنایع کشاورزی، سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۲.

رادفر، رامین و تیموری، محمدجواد، ۱۳۸۹، بررسی تجارب کشورهای منتخب در صنایع غذایی و درس‌هایی برای ایران، انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.

زارعی، رضا، ۱۳۹۱، خبرنامه سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، سال نهم، شماره ۹۹، صص. ۸-۱. زاهدی، علی، ۱۳۸۴، محدودیت‌ها و مزیت‌ها در توسعه صنایع تبدیلی زیتون، ماهنامه سنبله، سال ۱۸، شماره ۱۴۴، صص. ۱۸-۱۶.

خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱، ایران رتبه اول تولید محصولات باغی منطقه،

<http://farsnews.com/printable.php?nn=13910801000647>

صبوری، محمدصادق و ملک محمدی، ایرج، ۱۳۸۷، تحلیل سیاست‌های برنامه‌های توسعه کشاورزی به منظور دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی کشور، اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران، شوشتر.

عبادی، فرزانه، ۱۳۸۸، وضعیت صنایع غذایی در اقتصاد ایران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش یافته تحقیقاتی و اطلاع‌رسانی.

عبادی، فرزانه، ۱۳۹۰، بررسی تجربیات کشورهای منتخب در (اتحادیه اروپا، امریکا، ژاپن، چین و ترکیه) در زمینه انتقال نوآوری با تأکید بر صنایع کوچک، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، گروه پژوهشی صنایع تبدیلی و تکمیلی.

فلاحتی، علی، ۱۳۸۹، عارضه‌یابی صنایع کوچک تبدیلی استان کرمانشاه، شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه.

کرمی، آیت‌اله و مردانی ادبی، یاسر، ۱۳۹۱، بررسی مسائل بازاریابی انگور شهرستان دنا، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.

کلانتری، خلیل، رهنما، عبدی و موحد محمدی، حمید، ۱۳۸۹، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هجدهم، شماره ۷۰، صص. ۱۹-۱.

مدیریت امور کاهش ضایعات محصولات کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲، ضایعات محصولات کشاورزی و کمبود صنایع تبدیلی و تکمیلی، خردادماه، <http://www.mazraehdaran.com>

ملاشاهی، غلامعباس، پدرام، پیمان، سلطانی، مهدی، خیری، مجید و فیروزجاه، نتاج، ۱۳۹۱، اهمیت و نقش صنایع کوچک روستایی در ایجاد اشتغال پایدار، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.

معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۱.

نصرتی، فردین و ایمانی، بهرام، ۱۳۸۹، چالش‌های فراوری صنایع روستایی در ایران، مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۲۹، ۸۶-۹۷.

Azeem, Mohammad & Salfi, Naseer Ahmad, 2012, **Usage of NVivo Software for Qualitative Data Analysis**, Academic Research International, Vol. 1(2), PP. 262-266.

Banbury, C.M., & Mitchel, W., 2007, **The Effect of Introducing Important Incremental Innovation on Market Share and Business Survival**, Strategic Management Journal, Vol. 16, PP. 161-182.

Batov, G., 2006, **Development of Rural Industrial Enterprise (The example of Kabardino-Balkaria)**, Problems of Economic Transition, Vol. 48, No. 10, PP. 63-69.

Berg, B.SL. & Howard, Lune, 2001, **Qualitative Research Methods for the Social Sciences (4th edition)**, Boston: Allyn & Bacon.

- Bouri, Amit, Breij, Mark, Diop, Magatte, Kempner, Randall, Klinger, Bailey, & Stevenson, Keely, 2011, **Report on Support to SMEs in Developing Countries Through Financial Intermediaries.**
- Cohen, Louis, Lawrence & Morrison, Keith, 2007, **Research Methods in Education**, 6th Edition, Rout Ledge Publication.
- Hutchisona, A.J., Johnstonb, L.H. & Breckona, J.D., 2010, **Using QSR-NVivo Facilitate the Development of a Grounded Theory Project: an account of a worked example**, International Journal of Social Research Methodology, Vol. 13(4), PP. 283-302.
- Kondracki, Nancy L., Wellman, Nancy S., Amundson, Daniel R., 2002, **Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education**, Journal of Nutrition Education and Behavior, 34(4), PP. 224-230.
- Onu, M.E. & Ekine, D.I., 2009, **Critical Challenges to Small-scale Rural Business Firms: A Case Study of Poultry Farm Enterprise in Ido LGA, Oyo State**, Asia-Pacific Journal of Rural Development, Vol. XIX, No. 2, PP. 143-166.
- Patton, M.Q., 2002, **Qualitative Research & Evaluation Methods (3rd edition)**, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Richards, L. & Morse, J.M., 2012, **Readme First for a User's Guide to Qualitative Methods (3rd edition)**, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Silverman, D., 2001, **Interpreting Qualitative Data: Methods for analyzing talk, text and interaction (2th edition)**, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sundar, K. & Srinivasan, 2009, **Rural industrialization: Challenges and proposition**, J. Soc. Sei, 20(1), PP. 23-29.
- Wilkinson, J. & Rocha, Rudi, 2008, **Agro-industry Trends, Patterns & Development Impacts**, Global Agroindustries Forum, New Delhi, PP. 1-13.